

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه ای از مباحث جلسه ی قبل

ملاحظه فرمودید که از این آیه 104 سوره آل عمران «ولتكن منكم امة يدعون إلى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون» استفاده کردیم و جواب امر به معروف و نهی از منکر کفایی است.

اینجا این مطلب از جهت استدلالی و بحث لازم است که ببینیم ظهور آیات دیگر در چیست؟ و آیا آیات دیگر هم ظهور در همین کفایی بودن دارد یا ظهور دیگری دارد؟ عرض کردیم بر حسب روایات مسئله تقریباً روشن است که از روایات هم استفاده می شود که امر به معروف و نهی از منکر عنوان وجوب کفایی را دارد اما در آیات دیگر هم یک نظر اجمالی داشته باشیم.

آل عمران: 110

آیه 110 سوره مبارکه آل عمران «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» در این آیه دو قرینه بر وجوب عینی بودن امر به معروف وجود دارد. قرینه ی اول این است که خطاب دارد «كنتم خير امة» تمام امت را بیان می کند. یعنی همه ی امت باید این کار را انجام بدهند.

قرینه دوم «و تؤمنون بالله» است، این وجوب عینی بر همه است، ایمان به خدا که دیگر عنوان کفایی را ندارد لذا این هم قرینه ی دوم بر اینکه بگوئیم این آیه دلالت بر عینی بودن دارد.

آل عمران: 114

در آیه 114 سوره آل عمران می فرماید: «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْمِنُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» این هم به قرینه ی يؤمنون ظهور در عینی بودن دارد.

توبه: 67

آیه 67 از سوره توبه می فرماید «الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ» از این آیه نه می شود کفایی بودن استفاده شود و نه عینی بودن.

آیه 112 سوره توبه می‌فرماید «لَتَأْتِيَونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ».

نکته ی قابل ذکر این است که حافظون حدود الله هم واجب عینی است. یعنی هر انسانی موظف است، یکی از واجبات حفظ حدود الهی است و این نکته‌ی مهمی است، یک وقتی هست که یادم هست در قدیم الایام به بعضی از فضلا می‌گفتم واقعاً هنوز واجبات و محرّمات در یک جا دقیقاً جمع‌آوری نشده، چه چیز واجب است و چه چیز واجب نیست، چه چیز حرام است و چه چیز حرام نیست؟!

یکی از چیزهایی که واجب است و خیلی‌ها هم به آن توجه ندارند همین حفظ حدود الهی است. یعنی بر هر انسانی حفظ حدود الهی واجب است، هم برای خودش و هم نسبت به دیگری. گاهی اوقات در باب مسئله حجاب یک کسی می‌گوید حجاب را رعایت کنید، این از باب حفظ حدود الهی واجب است برایش این کار را انجام بدهد ولو مصداق برای امر به معروف و نهی از منکر هم نباشد، اما هر انسان مسلمانی حفظ حدود، این حدود یعنی احکام الهی، مراد حدود در بحث جزایات نیست، احکام الهی را همه باید حافظ باشیم، هر انسان مسلمان و مؤمنی باید حافظ وجوب نماز باشد، حافظ وجوب روزه باشد، حافظ وجوب حج باشد، حافظ وجوب حجاب باشد، خود این حفظ لزوم حفظ حدود الهی یکی از واجباتی است که غالباً به آن توجهی نمی‌شود.

پس آیه 67 و 112 توبه هیچ کدام دلالتی نداشتند.

حج: 41

آیه بعد آیه 41 سوره حج است که می‌فرماید «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ».

اینجا این آیه که یکی از آیات مربوط به مهدویت است، ما هم بحث مفصلی درباره این آیه شریفه داریم که در جای خودش مطرح شده، اصلاً هیچ روایتی هم در کار نباشد و ما باشیم و این آیه شریفه، به خوبی استفاده می‌شود که یک گروهی می‌آیند که خدا اینها را متمکّن می‌کند، «إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ» فی جمیع الأرض را متمکن می‌کند نه در فی قطعه من قطع الأرض، «أقاموا الصلاة، آتوا الزکوة امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر».

حالا ما باشیم و این آیه شریفه اولاً قبلاً هم عرض کردیم در جای خودش گفتیم این یک وجوبی است که به عنوان متمکّنین و حاکمان آن زمان مطرح است و این نحو به آنها اختصاص دارد، ظهور این آیه در کفایی بودن اقواست از دلالتش بر عینی بودن ولو در کنار اقامه‌ی صلاة آمده، در کنار زکات آمده و صلاة و زکات عینی هستند اما به قرینه‌ی اینکه «إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ آمَرُوا بِالمَعْرُوفِ» با بگوئیم: یعنی اینها به عنوان حاکمان این وظیفه را دارند. چه بسا یک روایتی را یک وقت خواندیم، از آن روایت اصلاً استفاده می‌شد که همانطوری که حدود الهی اختصاص به وجود و اذن امام معصوم (علیه السلام) دارد مثلاً امر به معروف و نهی از منکر هم این چنین باشد که البته حالا ادله‌ی دیگر در مقابل آن هست، ولی ما باشیم و این آیه، اصلاً کاری به روایات هم نداشته باشیم می‌خواهیم ادعا کنیم که ظهورش در کفایی بودن اقواست از دلالتش بر عینی بودن، یعنی آن زمان آن حاکمان، آن متمکّنین این وظیفه را به عنوان یک گروه به عهده دارند.

اسلام نیامده بگوید در هر زمانی قبل زمان ظهور یک گروه‌های بیابند این کار را انجام بدهند به نحو واجب کفایی بر همگان

واجب کرده، گروه خاصی را قرار نداده اما در زمان ظهور آن گروه خاص، آن متمکنین این کار را انجام می‌دهند لذا باز از این آیه شریفه هم ما نمی‌توانیم استفاده کنیم.

در طول تاریخ افرادی به حکومت می‌رسند، فرض کنید الآن در زمان ما، در نظام جمهوری اسلامی امام (رضوان الله تعالی علیه) به حکومت رسید، آیا این آیه تطبیق بر زمان ما دارد؟ نه. چرا؟ بحثش مفصل است، این یک تمکن خاصی است، «الذین إن مكناهم فی الأرض» یعنی گروهی‌اند خدا اینها را قدرتمند می‌کند در تمام زمین، آن هم خدا اینها را قدرتمند می‌کند، در انقلاب ما البته مردم به پشتوانه‌ی دین به انگیزه‌ی دین برای اطاعت دستور خدا قدرتی را کنار گذاشتند و یک قدرت دینی روی کار آوردند ولی باز ما نمی‌توانیم بگوئیم الآن این آیه در مورد همین نظام ما صادق است.

لقمان: 17

آخرین آیه آیه‌ی 17 سوره لقمان که می‌فرماید «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (17) «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (18) «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» (19) « اینجا بگوئیم لقمان فرموده فرزندم صلا را اقامه کن، امر به معروف و نهی از منکر کن، معلوم می‌شود که این دو کار واجب عینی است که لقمان به فرزندش ذکر می‌کند و او را متوجه این قضیه می‌کند.

جواب این است که نه، ما در اینکه امر به معروف و نهی از منکر رجحان دارد برای همه و چه بسا بگوئیم یک استحباب نفسی برای همه دارد، هر کسی برای دیگری استحباب نفسی دارد و در این آیات مواردی هست که استحباب دارد کما اینکه از و اقصِد فی مشیک، و اغضض من صوتک، و اصبر علی ما اصابک، وجوب استفاده نمی‌شود. بلکه حضرت لقمان وصایایی کرده و نمی‌شود از این استفاده کرد که آیا حتماً عینی است یا کفایی، آیه از این جهت ساکت است.

جمع بندی آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر

ملاحظه فرمودید تنها آیه ای که هست همان آیه **110 آل عمران** است «کنتم خیر امةٍ اخرجت للناس»، این ظهور دارد در اینکه کل واحد واحد من الامة باید باشد. در مقابل ما یک آیه‌ای داریم آن آیه «ولتكن منكم امةٌ» می‌باشد. این آیه می‌گوید «کنتم خیر امةٍ». حال ظهور کدام قوی‌تر است؟ آیا ظهور «ولتكن منكم امةٌ» که ظهور در تبعیض دارد، می‌تواند مقید برای «کنتم خیر امةٍ» باشد؟

احتمال دوم این است که بگوئیم نه، این امر به معروف و نهی از منکر کنتم خیر امةٍ بیاید ناسخ «ولتكن منكم امةٌ» باشد. یعنی به این بیان بگوئیم: خدای تبارک و تعالی در یک زمانی فرموده «ولتكن منكم امةٌ» یک گروهی از شما باید این کار را انجام بدهد، بعد آیه‌ی 110 می‌فرماید نه، همه‌تان باید انجام بدهید، «کنتم خیر امةٍ» که روی این بیان باید آیه 110 ناسخ برای آیه 104 باشد، این هم احتمال دوم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين.